



زاینده رود غریب و فرزندان ناسپاس

اسفندیار امینی

مدیرعامل کانون خبرنگان کشاورزی استان اصفهان

۱-۱ رودخانه زاینده رود از چشمه دیمه واقع در استان چهارمحال سرچشمه می‌گیرد. از سرچشمه تا انتها که تالاب گاوخونی می‌باشد بیش از ۴۲۰ کیلومتر طول دارد و حجمی حدود ۸۵۰ میلیون متر مکعب آب وارد سد زاینده رود می‌نماید و در طول مسیر آب راه‌ها و چشمه‌سارها و بازیافت‌ها و برگشت آب‌های برداشت شده و بارش‌های مناطق پایین دست نیز به آن اضافه می‌شود. در تکمیل نظام‌نامه‌های مکتوب قبلی که شرح آن در بند ۳ خواهد رفت مرحوم علامه شیخ‌بهائی در زمان صفویه در طرح جامعی موسوم به طومار شیخ‌بهائی آب رودخانه را بر اساس میزان اراضی و استعداد آن در حوضه آبریز، بلندی و گودی مناطق، امکان انتقال آب به روش ثقلی و بسیاری فاکتورهای دیگر و با همکاری معتمدین مناطق و معمرین و میراب‌ها و مادی‌سالارها به ۳۳ سهم در مناطق ۷ گانه اصفهان بین حق‌آبه داران تقسیم نمودند. به این ترتیب که مالکیت ۱۹ سهم آن به حق‌آبه داران شرق اصفهان شامل رود شتین، برآن جنوبی و شمالی، جی و قهاب و کراچ و ۴ سهم آن به باغات شهری شهر اصفهان و ماربین و غیره... و ۱۰ سهم آن به غرب اصفهان

مردم عزیز ایران، برادران و خواهران اصفهانی و چهارمحالی، مسئولین محترم و دست‌اندرکاران دولتی و غیردولتی، درد دلی از زبان زاینده رود غریب با فرزندان ناسپاس خود که با این مایه حیات بخش چه کردند، برای تمام خوانندگان، علاقه‌مندان به تاریخ و تمدن ایران و اصفهان، عاشقان عمران و کشاورزی و پیشرفت، دلسوختگان عرصه‌های هنر، صنعت، خودکفایی، علم و مدافعان قانون و محافظان محیط زیست و سلامتی و... نقل می‌گردد.

امید است که ما هر چه زودتر به خود بیاییم و به شکرانه نعمت الهی بابت اهداء این هدیه ارزشمند و حفظ آن برای حال و آینده خود و فرزندانمان بیش از پیش سپاسگزار این نعمت باشیم و به ایرانی فکر کنیم که روزی نفت نخواهد داشت، گاز و معادن و دیگر ذخایری برای فروش نخواهد بود و آن زمان اگر تولید نداشته باشیم بیگانگان ما را سلاخی خواهند کرد.

۱. معرفی و اطلاعات کمی از زاینده رود

در حال حاضر کل آب زاینده رود از ۴ منبع به شرح ذیل تأمین می‌شود:

●●● از سرچشمه
تا انتهای رودخانه

زاینده رود بیش از
۴۲۰ کیلومتر است
و در طول مسیر آب
راه‌ها و چشمه‌سارها
و باز یافت‌ها و برگشت
آب‌های برداشت شده
و بارش‌های مناطق
پایین دست به آن
اضافه می‌شود و در
نهایت میانگین حجمی
حدود ۹۰۰ میلیون
متر مکعب آب تولید

می‌شود ●●●

دیجی

شامل لنجانان (و زرین شهر و مبارکه و فلاورجان و خمینی‌شهر و نجف‌آباد) تعلق گرفت. علاوه بر تقسیم آب، طراحی بسیار عملی و کارآیی، جهت احداث شبکه مادی‌ها و انهار آب‌رسانی انجام داده که تا به امروز نیز همچنان کاراست و بدون صرف انرژی با احداث بندهای متعدد به منظور آب‌گیری انهار و مادی‌های مذکور در مسیر، آب رودخانه را به این مناطق ارسال می‌نموده که سهم مشخص و مکتوب شده‌تک تک روستاها و مناطق بطور کامل و بدون مشکل در بالادست و پایین‌دست تحویل می‌شود.

۲-۱ تونل اول کوه‌رنگ نیز که با سرمایه ۳۳ سهم حق‌آبه‌دار زاینده‌رود احداث شد (شرح در بند ۳) حجم آبی معادل میانگین سالانه ۳۳۰ میلیون متر مکعب تولید می‌کند.

۳-۱ تونل دوم کوه‌رنگ که با اعتبارات ملی و استانی احداث شده و حجم میانگینی معادل حدود ۲۵۰ میلیون متر مکعب آب در سال به حوضه زاینده‌رود انتقال می‌دهد.

۴-۱ تونل چشمه لنگان که با اعتبارات ملی و استانی احداث شده و سالانه حجم آبی معادل متوسط ۱۴۰ میلیون متر مکعب از مناطق فریدونشهر در غرب استان اصفهان وارد حوضه زاینده‌رود می‌نماید.

بنابر این رودخانه اصلی و تونل اول که جمعاً به طور متوسط حدود ۱۱۸۰ میلیون متر مکعب آب تولید می‌کنند، (قریب بر ۷۵ درصد آب رودخانه) متعلق به حق‌آبه‌دار است و در مالکیت و اختیار دولت نیست که در مواد ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۶، ۴۴، ۴۸ و ماده واحده شماره (-۲۲۵۴ ق ۱۳۸۰) قانون تشویق سرمایه‌گذاری در طرح‌های آب کشور، و همچنین ایرادهای شرعی و قانونی وارده توسط شورای محترم نگهبان در سال ۱۳۶۱ به مصوبات اولیه قانون توزیع عادلانه آب، که منتج به برگشت مکرر آن به مجلس محترم و اصلاح و تصویب شد، تماماً حقوق مالکیتی حق‌آبه‌دار و تکالیف دستگاه‌های دولتی در برخورد با حق‌آبه‌ها را بوضوح معین نموده است، بنابر این فقط آب استحصالی از تونل کوه‌رنگ و چشمه لنگان که میانگین حجمی سالانه معادل حدود ۳۹۰ میلیون متر مکعب در سال می‌باشد را وزارت نیرو اجازه داشته و دارد که تخصیص جدید بدهد و چنانچه پیش فروش هم داشته باشد، الزاماً باید از محل طرح‌های در دست احداث مانند تونل سوم کوه‌رنگ باشد. البته این تخصیص‌ها و اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها نیز باید به گونه‌ای

باشد که مطابق ماده ۴۴ قانون توزیع عادلانه، بواسطه آن، آب رودخانه، قنوات و چاه‌های متعلق به حق‌آبه‌دار نقصان نیافته و یا خشک نشود.

۲. دلایل خشکی زاینده‌رود

خشکی زاینده‌رود، دلایل متعددی دارد:

الف - کمی بارش نزولات آسمانی در سال‌های اخیر نسبت به میانگین بلند مدت؛

ب - برداشت‌های بی‌رویه و غیر قابل کنترل در بالادست رودخانه (استانهای اصفهان و چهارمحال و بزد)؛

ج - تخصیص‌های بیش از حد آب توسط وزارت نیرو که بمراتب زیاده‌تر از آب استحصالی از تونل دوم کوه‌رنگ و چشمه لنگان و ذخیره سد زاینده‌رود بوده است؛

د - میزان برداشت آب به صورت پمپاژ، بیشتر توسط بهره‌بردار مدیریت می‌شود تا سازمان‌های آب منطقه‌ای. فلذا عدم نظارت کافی و یا قابلیت کنترل پمپاژها باعث برداشت بیش از حد مجاز در پروانه‌ها می‌باشد؛

ه - وقتی آب به وسیله پمپاژ در ارتفاعات به خارج از حوضه زاینده‌رود انتقال داده می‌شود، بعد از مصرف امکان برگشت به حوضه زاینده‌رود از طریق شیب ثقلی زیرزمینی و روزمینی را ندارد فلذا انتقال آب به خارج از حوضه زاینده‌رود نیز از دیگر دلایل است؛

تذکر ۱: آبی که یکبار با صرف سرمایه‌های کلان از حوضه دیگری به حوضه زاینده‌رود منتقل شده، بسیار غیر کارشناسانه و دور از عقل و منطق است که مجدداً از این حوضه خارج شود، آن هم با صرف هزینه مجدد و دائم.

تذکر ۲: در هیچ کجای دنیا برداشت آب بوسیله پمپاژ متعارف نیست چون علاوه بر ایجاد مشکلاتی از این قبیل، کلاً صرف انرژی و هزینه دائمی و تعمیرات و تجهیزات فراوان و محدودیت‌های فنی برای زراعت و باغبانی در ارتفاعات و بسیاری دیگر، این کار را منسوخ نموده است.

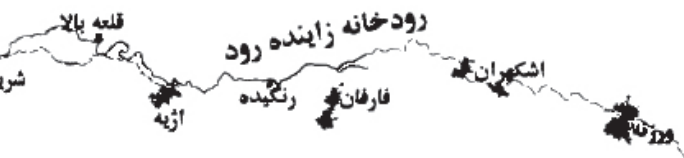
و - توسعه بی‌رویه کشاورزی، شهرنشینی، صنعت و غیره که خارج از ظرفیت آب زاینده‌رود بوده و بارگذاری بسیار زیاده‌تر از آب موجود را بر زاینده‌رود باعث شده است؛

ز - تضييع زياد آب از طريق شبکه‌های پوسیده آبرسانی شهرها بویژه اصفهان و...؛

ح- از بین بردن مدیریت واحد حوضه‌ای رودخانه زاینده‌رود و ایجاد امکان تصمیم‌گیری برای تخصیص و مدیریت توزیع آب یک رودخانه در چند استان.

●●● آبی که یکبار
با صرف سرمایه‌های
کلان از حوضه دیگری
به حوضه زاینده‌رود
منتقل شده، بسیار غیر
کارشناسانه و دور از
عقل و منطق است که
مجدداً از این حوضه
خارج شود، آن هم با
صرف هزینه مجدد و
دائم ●●●





برسیان، اندلان، ازیران و بسیاری از قلاع، برج‌ها، آب‌انبارها، بندها، کاروانسراها و... همه اسناد تاریخی و موجود این تمدن ریشه‌دار و باسابقه است و از افتخارات اصفهان و زاینده‌رود همین بس که یکی از چند رودخانه بزرگ جهان است که دارای نظام‌نامه قدیمی هستند. در زمان حمله اسکندر مقدونی و بعد در زمان ساسانیان و حمله اعراب، در زمان تیموریان، افغان‌ها، صفویان، زندیان، قاجار و... در تمامی حملات و ملال‌های تاریخی که به ایران و اصفهان وارد شده، «زنده‌رود همچنان زنده مانده و به اصفهان حیات بخشیده است» به گونه‌ای که علی‌رغم تمام ناملایمات تاریخی که حتی در مقاطعی از تاریخ بوده که بیشتر مردم اصفهان سربریده شدند ولی اصفهان امروزی را با تمام شهرت و اقتدار خود را به میراث گذاشته است.

میرخان از نزدیکان تیمور در کتاب سریع‌الطیف می‌گوید: «در اصفهان همه را سر بریدند و تنها زنده شهر زنده‌رود بود.» در هنگامه تیمور که همه در اصفهان مردند، آن که زنده ماند، زنده‌رود بود. و باقی ماند که ما امروز زندگی کنیم. اینک ما زنده‌ایم و زنده‌رود مرده است. پس با دل می‌شتابیم تا جان خویش را مایه حیات دوباره زنده‌رود کنیم.

۴. نقش زاینده‌رود در سیما و منظر شهری

اگر اصفهان بدون زاینده‌رود را لحظه‌ای در ذهن خود مجسم کنیم، شهری کاملاً کویری، خالی از باغات، گرم و سوزان، با بادهای و گرد و غبارهای فراوان، فاقد زیبایی و سرسبزی، بی‌نام و بدون شهرت، بدون صنعت و محروم از هنرمندان شهره، فاقد گنبد‌های فیروزه‌ای، فارغ از آثار هنری و خلاقین آن، عاری از مردم دانشمند و شجاع و بسیاری از کمالات و محاسن و مزایای فعلی، متبادر

۳. تاریخچه اصفهان و زاینده‌رود

تاریخچه اصفهان را بیشتر متخصصان و مورخان مربوط به زاینده‌رود می‌دانند ولی همین قدر بگوییم دورترین سابقه‌ای که بنده می‌دانم و در نوشته‌ها آمده است به نیمه دوم هزاره چهارم قبل از میلاد بر می‌گردد که کشاورزی و حیات در جلگه زاینده‌رود و اصفهان جریان داشته است. بعد از آن در زمان هخامنشیان و بعد در زمان اردشیر بابکان (حدود ۱۷۰۰ سال پیش) که اولین نظام‌نامه زاینده‌رود تنظیم شده است در طول تاریخ فوق‌الذکر نظام‌نامه‌هایی برای رودخانه زاینده‌رود نوشته شده که مکمل یکدیگر بوده و سعی شده نظم حاکم بر رودخانه زاینده‌رود مخدوش نشده و آسیبی به تمدن و حیات و آبادانی و حقوق مردم این دیار وارد نشود. در ۴ قرن اخیر برای زاینده‌رود و مالکیت آب و اراضی آن نظامی مرقوم شد و اصفهان را در این قرون به اوج پیشرفت و شهرت در تمامی زمینه‌های تمدن و علم و صنعت و هنر و کشاورزی و غیره رسانید. نظام‌نامه‌ای موسوم به طومار شیخ‌بهائی توسط مرحوم علامه بهاء‌الدین عملی (شیخ بهائی) در زمان صفویه که به سال ۹۲۳ ه.ق آب زاینده‌رود را به ۳۳ سهم بین حق‌آبه داران مناطق هفت گانه اصفهان با شرح مرقوم در بند ۱ تقسیم نمود.

در طول قرون متمادی با وجود حوادث فراوان، زنده رود همچنان به زندگی بخشی خود در خطه اصفهان ادامه داده است و عظمت اصفهان در زمینه هنر، صنعت، کشاورزی، فرهنگ و... که موجبات شهرت جهانی آن شده است؛ تماماً بواسطه این نعمت بی‌نظیر بوده است. وجود مناره‌ها در شرق اصفهان مانند زیار گار برسیان و مساجد قدیمی از هزاره‌های قبل مانند ورزنه، دشتی،

●●● میرخان از
نزدیکان تیمور در کتاب
سریع‌الطیف می‌گوید:
«در اصفهان همه را
سر بریدند و تنها زنده
شهر زنده‌رود بود.» در
هنگامه تیمور که همه
در اصفهان مردند، آن
که زنده ماند، زنده‌رود
بود. و باقی ماند که ما
امروز زندگی کنیم.
اینک ما زنده‌ایم و
زنده‌رود مرده است





خواهد شد که امثال آن در نزدیکی خود اصفهان نیز وجود دارد، اگر اصفهان زیباست و سرشار از محاسنی که آرزوی هر سیاح و جهانگردی است که برای یکبار هم که شده در طول عمر خود اصفهان را ببیند به خاطر وجود زاینده رود است. اگر یکی از نشانه‌های ایران باستان و ایران فعلی در جهان، که ایران را به آن می‌شناسند، اصفهان است، بدلیل وجود زاینده رود است و سابقه تاریخی و آب‌های جاری این شهر است.

ابودلف جهانگرد عرب (۳۰۱ - ۳۸۵ ه ق) می‌گوید: «اصفهان دارای هوای صاف و خالی از حشرات است. بدن مردگان آنجا در خاک نمی‌پوسد و بوی گوشت در آن تغییر نمی‌کند. هرگاه یک دیگ غذا بعد از یک ماه پخت و پز به همان حال وا بماند، تغییری در آن روی نمی‌دهد!»

تاورنیه سیاح گفته است: «از هر طرف که به طرف اصفهان می‌رفتم اول مناره‌های مساجد و بعد درختان و خانه‌ها نمودار می‌شدند، به طوری که از دور اصفهان به جنگل بیشتر شباهت دارد تا به شهر.»

هولستر جهانگرد آورده است: «اگر از سمت جنوب به اصفهان می‌نگریستیم، گویی که شهر در میان باغ بزرگی قرار داشت و رودخانه از غرب به شرق مانند یک رشته سیمین از وسط آن می‌گذشت.»

ناصر خسرو در قرن ۵ ه ق می‌نویسد: «در همه سرزمین پاریسی گویان، شهری جامع‌تر و نیکوتر از اصفهان ندیدم.»

۵. سابقه تاریخی زاینده رود و مضرات خشکی آن مانند مباحث اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، روانشناسی

در خصوص سابقه نظام بهره‌برداری زاینده رود اگر جویا شویم، بر می‌خوریم به:

۱- نظامنامه زمان ارشیر بابکان؛

۲- طومار شیخ بهایی در ۹۲۳ ه ق؛
۳- قانون انتقال آب کوهرنگ به رودخانه زاینده رود مصوب سال ۱۳۱۱ مجلس شورای ملی؛
۴- تصویبنامه ۴۳۲۲ مورخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۳ هیأت وزیران در خصوص نحوه انتقال و تخصیص و توزیع آب تونل اول کوهرنگ.

ضمن تقسیم آب مالکیتی حق‌آبه‌دار به ۳۳ سهم، طراحی بی‌نظیر شبکه‌های آبرسانی، علی‌رغم خاکی بودن مادی‌ها، بدلیل انتخاب صحیح محل بندهای آبگیر در مسیر و داشتن شیب مناسب آنها و انشعاب مادی‌ها از رودخانه، آب با کمترین هدر رفتی به محل مصرف می‌رسیده و در عین حال مخازن زیرزمینی را نیز به گونه‌ای تغذیه می‌نموده است که در فصول گرم سال که آب جاری از رودخانه کمتر در اختیار زارعین و مردم بوده است، ذخایر زیرزمینی باعث می‌شده که آب قنوات و چاه‌ها در اختیار باشد و جای فخر و مباهات است که این خطه چنین دانشمندانی را در تمامی اعصار داشته و اینگونه خلاقیت‌ها را از خود بروز داده‌اند تا هم مشکل خودشان را حل نموده و هم اقدامشان الگویی برای بسیاری از نقاط دنیا شود و مهم‌تر اینکه هم اکنون هر میزان از شبکه‌های جدید بتونی را که به تبعیت از این شبکه‌ها انجام شده است مشکل نداشته ولی هر کدام که خارج از این قاعده انجام گرفته با مشکل فنی بویژه ثقلی مواجه شده است.

۶. نظام بهره‌برداری از زاینده رود و اختلالات آن
اختلالاتی که به نظام بهره‌برداری از رودخانه وارد شده است:

۱- توسعه بی‌رویه در دشت‌های فراوان برای زراعت و باغبانی و...؛

●●● هولستر

جهانگرد آورده است:

«اگر از سمت جنوب به

اصفهان می‌نگریستیم،

گویی که شهر در میان

باغ بزرگی قرار داشت

و رودخانه از غرب به

شرق مانند یک رشته

سیمین از وسط آن می

گذشت.» ●●●



●●● استان بالادست
(چهارمحال) بهانه‌هایی
را مطرح کرد و تا کنون
موفق شده طی دو
مرحله خط مرزی را
تغییر دهد و در شرف
تغییر سوم می‌باشد
که بر عکس تمام دنیا
و تمام اصول علمی
و تاریخی و تجربی و
منطقی، خط مرزی را
به خط القعر دریاچه
زاینده‌رود تغییر دهد و
همه عقلا و دانشمندان
بی‌غرض تأکید می‌کنند
که اینکار خلاف است
و هدف مسئولین
آن استان رسیدن به
مدیریت سد زاینده‌رود
است ●●●

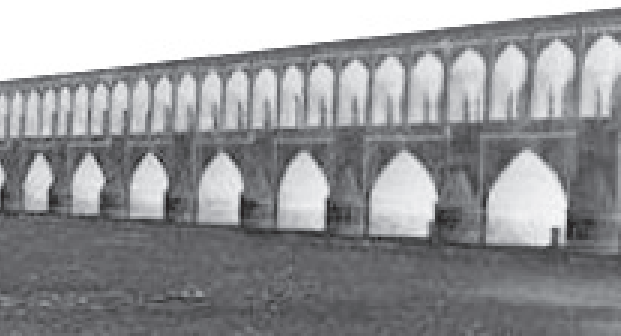
۲- برهم زدن شیوه تقسیم آب که مغایر با نظام و شبکه اصلی بوده که پایداری را از تمامی بخش‌های کشاورزی و شهری و غیره گرفته است؛
۳- دخالت‌های زیاد در نظم طبیعی زاینده‌رود که بایستی آب آن در این حوضه آبریز می‌ماند و خارج نمی‌شد؛
۴- تخصیص بیش از حد آب برای صنعت و خدمات شهری که یا کلاً برگشت پذیر نیست و یا به‌قدری با انواع موادشیمیایی مخلوط و آلوده می‌شود که قابل استفاده جایگزینی برای آب زاینده‌رود نیست؛
۵- برداشت‌های بی‌رویه و زیاد از حد از چاه‌ها و قنوات و چشمه‌سارها و تخلیه منابع زیرزمینی و آبخوان‌های جلگه زاینده‌رود؛
۶- پمپاژهای بالادست و خروج آب از حوضه زاینده‌رود. به دلایل فوق و بسیاری دیگر آب زاینده‌رود باید پاسخ‌گوی تمامی این برداشت‌ها و جایگزین‌ها باشد و حال آنکه این رودخانه هم ظرفیت محدودی دارد. بنابر این شاهدیم که اکوسیستم، زندگی مردم، کشاورزی صنعت خدمات بالادست و پایین‌دست و غیره همه با مشکل مواجه شده‌اند.

۷. بررسی مزایای مختلف زاینده‌رود و مضرات خشکی آن مانند مباحث اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، روانشناسی و...

زاینده‌رود همانگونه که از نامش پیداست علاوه بر آب استحصالی از سرچشمه‌ها و تونل‌ها، خود نیز به دلیل برگشت مجدد آب مصرفی به داخل رودخانه زایش‌های فراوانی داشته است، فلذا همیشه اگر ۱۵۷۰ میلیون متر مکعب آب از بالادست وارد زاینده‌رود می‌شده، با محاسبه کاربری دوباره و بعضاً سه باره آب هنگام برگشت به رودخانه و هم چنین تزریق آب به چاه‌ها و قنوات که از عمق کمی برخوردارند و استحصال مجدد آن از چاه‌ها و قنوات، به جرأت می‌توان گفت بر خلاف آنچه می‌گویند، راندمان آب در اصفهان پایین است، در بعضی از مناطق راندمان از ۱۰۰ درصد هم بیشتر است.

از مضرات خشکی زاینده‌رود:

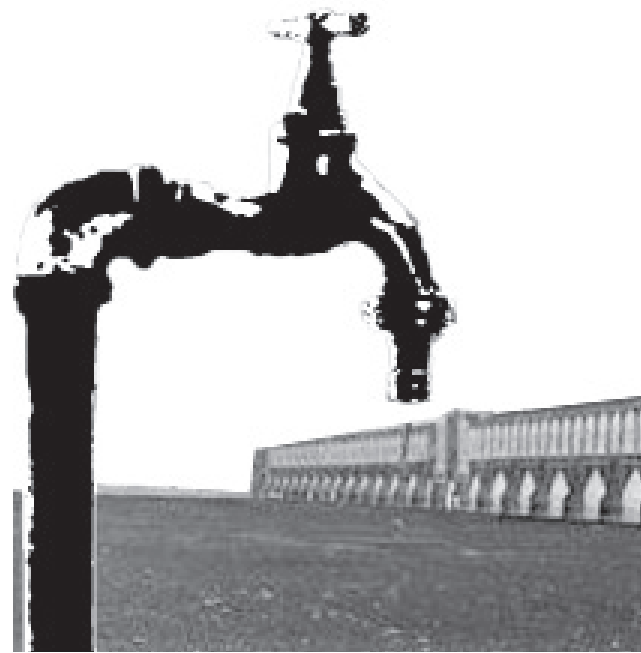
۱- از دست رفتن مشاغل مستقیم و غیر مستقیم زیاد در بخش کشاورزی و دامداری و گلخانه و صنعت؛
۲- مهاجرت بی‌رویه که برای مهاجر، محلی که از آنجا مهاجرت صورت می‌گیرد، محل یا شهرهایی که به آنجا مهاجرت می‌شود، مشکل‌آفرین است؛
۳- بزه‌کاری‌هایی که از عوارض بیکاری است. مانند سرقت، کلاهبرداری، نزاع‌ها و قتل‌ها و...؛



۴- خمودگی و دل‌مردگی مردم؛
۵- گرد و غبار و بیماری‌های فراوان به دلیل عدم تولید اکسیژن؛
۶- کاهش درآمد و تأثیر مستقیم بر تولید کنندگان و متعاقب آن برای تجار و بازاریان و مشاغل خدماتی و غیره؛
۷- ترک تحصیل‌ها و تأثیر منفی فرهنگی و تخصصی؛
۸- طلاق‌ها و تأخیر در ازدواج‌ها و...؛
۹- فروش‌های ارزان اراضی و ترک شغل؛
۱۰- مرگ‌های خاموش و پیری‌های زودرس و عارضه‌های منفی فراوان بر سلامتی مردم؛
۱۱- عدم مقابله با آلاینده‌های صنعتی و غیره؛
۱۲- عدم انگیزه و علاقه برای نسل جوان به منظور ورود به بخش‌های کشاورزی و دامی و به طبع آن از بین رفتن نسل کشاورزان خبیره که شهرت کشوری و بعضاً جهانی دارند؛
۱۳- کم‌انگیزه شدن نسبت به مسائل فرهنگی، و دوری از فرامین مذهبی و غیره به واسطه مشاهده بی‌عدالتی‌ها و بی‌قانونی‌ها؛
۱۴- قانون‌گریزی و شکستن قبح قانون‌گریزی به دلیل مشاهده واگذاری غیرقانونی حق‌آبه‌های مردم توسط دولت و ناگفته‌های بسیار دیگر...

۸. تأثیر تغییرات مرزی استان بر زاینده‌رود

معمول است در کل دنیا، که خطوط مرزی بین مناطق را خط‌الرأس و ارتفاعات آن مناطق، انتخاب می‌کنند که حتی‌المقدور تداخل منافع و تردد مردم و امورات جاری بین دو منطقه به حداقل برسد و قابل کنترل باشد. به همین دلیل خط مرزی بین دو استان اصفهان و چهارمحال در سمت چادگان، رشته کوه‌های شیدا در ضلع جنوبی سد زاینده‌رود که خط‌الرأس آن منطقه



می‌باشد، انتخاب شده بود و تا آن زمان که مرز دو استان آنجا بود، هیچ‌گونه مشکلی در این زمینه میان دو استان نبود، لیکن استان بالادست (چهارمحال) بهانه‌هایی را مطرح کرد و تا کنون موفق شده طی دو مرحله خط مرزی را تغییر دهد و در شرف تغییر سوم می‌باشد که بر عکس تمام دنیا و تمام اصول علمی و تاریخی و تجربی و منطقی، خط مرزی را به خط‌القعر دریاچه زاینده‌رود تغییر دهد و همه عقلا و دانشمندان بی‌غرض تأکید می‌کنند که اینکار خلاف است و هدف مسئولین آن استان رسیدن به مدیریت سد زاینده‌رود است.

نظر به اینکه مدیریت آب استانها در سال ۱۳۸۴ مستقل شد و سازمان‌های آب منطقه‌ای تبدیل به شرکت شدند و مجوزی آمد که شرکت‌های آب استانها به هر میزان که آب فروختند، می‌توانند در منطقه خودشان سرمایه گذاری کنند، استان بالا دست می‌خواهد با در اختیار گرفتن مدیریت سد، آزادی عمل بیشتری در فروش آب، آن هم به هر کس که قیمت بیشتری می‌خرد را داشته‌باشد. و الا هیچ کدام از برداشت‌های آب در بالادست با این مشکل انتقال و صرف هزینه‌های گزاف و انرژی و غیره، اقتصادی نبوده و در توان مردم عادی نیست مگر اینکه عده‌ای با هدف ایجاد فضای سبز و بستر مناسب برای ویلاسازی و ساخت و ساز، به نام مردم محروم با این قیمت‌های گزاف آب را خریداری و با آن تجارت کنند.

چنین کاری به مردم پایین دست اصفهان آسیب می‌رساند ولی درآمدی واقعی برای مردم بالادست و چهارمحال ایجاد نمی‌کند و مردم صرفاً بهانه هستند.

کشاورزان اصفهان از تغییر این خط مرزی نگران هستند چون قریب ۷۵ درصد آب آن متعلق به حق‌آبه‌دار است که تمام حیات آنها وابسته به این آب است و بقیه

نیز برای مصارف شرب و صنعت و خدمات و گسترش بخش کشاورزی واگذار شده است.

اصفهان و به ویژه حق‌آبه‌دار بابت تغییر مرزی نگران است چون می‌داند این تغییر مرزی ختم به انتقال مدیریت سد زاینده‌رود به استان بالادست می‌شود و حالا که مدیریت سد و تخصیص و توزیع آب با خود اصفهان بوده است، وضعیت حق‌آبه‌داران و سایر آنگیران به این شکل است، پس وقتی با استان بالادست که با این ذهنیت و تفکر که کاملاً با بسیاری از موازین قانون و شرع و منطق مغایر است، بیفتد، چه خواهد شد.

این استان نگران است چون هم اکنون آب شرب بالغ بر ۵ میلیون نفر از این رودخانه تأمین می‌شود و با طرح‌های آب‌رسانی که پیش‌بینی شده است قرار است بزودی ۶ میلیون نفر و چنان چه تونل بهشت‌آباد هم اضافه شود بیشتر برای شرب از این آب استفاده کنند.

ما نگرانیم چون اگر شهرک تفریحی دیگری مانند آن مورد که توسط خود اصفهان ساخته شد و آلودگی‌های زیادی را به دریاچه سد وارد می‌کند، ساخته شود، قطعاً این آلودگی مضاف خواهد بود.

تذکر ۱: متأسفم که باید بگویم با وجود اینکه در اوامر مؤکد مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۱ خطاب به ستاد فرماندهی کل قوا آمده است احداث هرگونه مراکز تفریحی و آموزشی در حاشیه و داخل سدها و منابع آب شرب مردم حتی برای مسائل آموزشی و نظامی و انتظامی ممنوع است،

تذکر ۲: هم چنین در ماده ۴ آیین‌نامه و جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۷۳/۲/۱۸ هیئت وزیران آمده که به هر عمل که موجبات آلودگی آب را فراهم نماید ممنوع است. مع‌الاسف علی‌رغم سرایت مستقیم و غیر مستقیم بسیاری از فاضلاب‌ها در بالادست و پایین‌دست رودخانه، متأسفانه هم چنان اصرار هست که شهرک جدید شیدا تأسیس شود و تأسفاتر اینک تحت عنوان طرح ملی و با مصوبه هیئت دولت در استان بالادست این کار صورت می‌پذیرد. که مغایر با مصوبه قبلی هیئت دولت و اوامر مقام رهبری است.

ما نگرانیم چون مرز توقفی برای پایان این اشتباهات و برگرداندن مسیر اجرا به سمت صحیح و اصلاح نمی‌بینیم و بالعکس اصرار بر ادامه اشتباهات وجود دارد.

ما نگرانیم چون مطابق تبصره ۳ ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب آمده است که احداث هر گونه مستحدثاتی در حریم و یا بستر رودخانه‌ها و دریاچه‌ها

●●● اصفهان و به

ویژه حق‌آبه‌دار بابت

تغییر مرزی نگران

است چون می‌داند

این تغییر مرزی ختم

به انتقال مدیریت سد

زاینده‌رود به استان

بالادست می‌شود و

حالا که مدیریت سد و

تخصیص و توزیع آب با

خود اصفهان بوده است،

وضعیت حق‌آبه‌داران

و سایر آنگیران به این

شکل است، پس وقتی

با استان بالادست که

با این ذهنیت و تفکر

که کاملاً با بسیاری از

موازین قانون و شرع

و منطق مغایر است،

بیفتد، چه خواهد

شد ●●●

●●● نهایتاً اینکه
تغییر خط مرزی
با هدف سیاسی و
زیاده خواهی این بی
قانونی‌ها را تشدید
خواهد کرد ضمن
اینکه انتخاب خط
مرزی دو استان در
خط القعر دریاچه
سد که ۹۵ درصد
آب مصرفی استان
پایین دست را تأمین
می‌کند در کل دنیا
اولی خواهد بود و
حتماً باید در کتاب
رکوردهای گینس
نوشته شود ●●●

اعم از طبیعی و یا مخزنی، ممنوع است و مسئولیت آن با وزارت نیرو می‌باشد. ولی متأسفانه هیچ اقدامی نمی‌شود علی‌رغم اینکه مطابق تبصره ۴ همان ماده قانونی (۲) وزارت نیرو مکلف است پس از اخطار قانونی به خا طی و عدم توجه توسط مشارالیه نسبت به تخلیه و قلع آن اقدام کند ولی شاهد هیچ‌گونه عملی از طرف دستگاه موظف نیستیم.

ما نگرانیم چون می‌دانیم مطابق ماده ۴۴ قانون توزیع عادلانه آب، آلوده ساختن آب‌ها ممنوع است و مسئولیت پیشگیری و ممانعت و جلوگیری از آلودگی منابع آب به سازمان حفاظت محیط زیست محول شده است، اما متأسفانه خبری از اقدام سازمان مذکور نیست و هر شخص حقیقی یا حقوقی، دولتی یا خصوصی هم چنان انواع فاضلاب‌ها و آلاینده‌ها را وارد زاینده‌رود می‌نماید.

ناراحتیم از اینکه می‌دانیم بر اساس مواد ۳۱ و ۵۰ قانون توزیع عادلانه آب، نیروهای انتظامی مکلفند، دستورات وزارت‌های جهاد کشاورزی و نیرو را در اجرای قانون عملی نمایند و دادگاه‌ها نیز مکلفند به فوریت و خارج از نوبت به اختلافات در این مورد رسیدگی کنند، ولی متأسفانه در عمل هر چه هست عکس این قوانین است.

نهایتاً اینکه تغییر خط مرزی با هدف سیاسی و زیاده خواهی این بی قانونی‌ها را تشدید خواهد کرد ضمن اینکه انتخاب خط مرزی دو استان در خط القعر دریاچه سد که ۹۵ درصد آب مصرفی استان پایین دست را تأمین می‌کند در کل دنیا اولی خواهد بود و حتماً باید در کتاب رکوردهای گینس نوشته شود.

۹. انتقال آب، نقش سد و تونل

بسیار اتفاق می‌افتد که در یک کشور، مناطقی هستند که بارندگی زیاد دارند، ولی امکان مصرف تمام آن آب در آن مناطق نیست. فلذا آن میزانی که به دریا ریخته و یا مورد استفاده خاصی برای آن نیست با صرف هزینه به مناطقی که مورد استفاده دارد و وجود اراضی حاصلخیز، نیروهای کارآمد، نیاز بالا به دلیل وجود جمعیت انبوه و بسیاری دیگر، که هم نیاز آن مناطق را تأمین کند و هم لطمه‌ای به جای دیگر وارد نیاید و هم کمک به تولید ملی بنماید آب را از یک حوضه به حوضه دیگر منتقل می‌کنند. که احداث تونل، یکی از راه‌های انتقال است و با عنایت به اینکه بیش از ۱۱ میلیارد متر مکعب بارش سالانه در استان چهارمحال وجود دارد، از هزاران سال قبل حدود یک میلیارد مترمکعب آب آن

به سمت اصفهان جاری می‌شد که به سوابق آن اشاره شد. و مابقی، آنچه که در استان چهار محال استفاده نمی‌شده است به سمت استان خوزستان و مازاد آن به خلیج فارس وارد می‌شد. و پس از بررسی فراوان و وجود عوامل صدرالذکر در استان اصفهان با احداث تونل‌های اول و دوم کوه‌رنگ، بخشی از آبی که به خلیج فارس وارد می‌شده به سمت استان اصفهان برگشت شده و وارد حوضه زاینده‌رود می‌گردد. یادآور می‌شود تونل‌های چشمه لنگان و خندگستان، آب را از مناطق فریدونشهر و فریدن که از توابع خود استان اصفهان هستند، وارد حوضه زاینده‌رود نموده از طرفی مقدار زیادی آب در مناطق سمیرم و فریدونشهر از توابع اصفهان خارج و به سمت استانهای چهارمحال و خوزستان می‌رود که حجم آن از آنچه از آن استان وارد زاینده‌رود می‌شود، بیشتر است. یادآور می‌شود از آنجا که بارش‌ها عمدتاً در زمستان و اوایل بهار بوده و می‌باشد، لذا در زمانیکه سد وجود نداشت بسیاری از این آب‌ها زمانی در رودخانه جاری می‌شد که نیاز آن چنانی به آن آب نبود، لذا آن میزانی که در ذخایر زیرزمینی تریق می‌شده، در فصول بعدی و برای کشت‌های بعدی از طریق چاه‌ها و قنوات استفاده می‌شد ولی مازاد آب از دسترس استفاده خارج می‌شد و این کار اگر چه یک نظم طبیعی و اکوسیستمی را ایجاد کرده بود و تالاب گاوخونی را تغذیه می‌کرد؛ ولی امکان این که مقداری از آب نیز از گردونه انتفاع خارج شود، وجود داشت. و مهمتر این که به دلیل افزایش نیاز آب برای توسعه شرب و صنعت و خدمات و غیره و ذخیره نمودن آب، احداث سد در دستور کار قرار گرفت و با اینکار هم امکان ذخیره آب مازاد بر مصرف ایجاد می‌شد، و هم مقداری توسعه شهری و صنعتی و کشاورزی صورت می‌پذیرفت.

و نکته مهمی که رسالت اصلی احداث سدها می‌باشد، به ویژه در مناطق کم باران و خشک مثل اصفهان، این بوده و هست که با ذخیره آب در سال‌های پر باران و تنظیم مصرف سالانه، بتوانیم در سال‌های کم باران، آن حوضه را از خشکسالی نجات دهیم، ولی متأسفانه در عمل، بخشی از اهداف فوق تغییر کرد و در اثر عملکردهای اشتباه بسیاری از دست اندرکاران، اوضاع به صورت دیگری رقم خورد و عواملی از قبیل:

- اختصاص زیاد آب به متقاضیان مختلف و عدم برگشت آن به رودخانه؛
- توسعه زیاد شهری و صنعتی و خدماتی و غیره؛



- پمپاژهای بی‌رویه به ارتفاعات دوردست رودخانه و خروج آب از حوضه زاینده‌رود؛
- عدم رها سازی آب در رودخانه به گونه‌ای که حداقل چاه‌ها و قنوات را تغذیه کند؛
- انتقال آب از حوضه زاینده‌رود به دیگر شهرها و استانها و بسیاری از عوامل دیگر و موارد مرقوم در بند ۶ باعث شدند که هیچ تناسبی بین میزان بارش نزولات و انتقال آب پشت سد و زاینده‌رود با میزان برداشت‌ها و تخصیص و توزیع به لحاظ حجمی و زمانی وجود نداشته و الان با این مشکل‌های حاد مواجه باشیم.

۱۰. مصارف شهری، فضای سبز، صنعت و کشاورزی

(۱) مصارف شهری بسیار بالاست؛
(۲) شبکه‌های آبرسانی نیز به دلیل فرسودگی حجم قابل ملاحظه‌ای آب را از بین می‌برد. آن هم با صرف هزینه‌های بالا به منظور تصفیه؛
(۳) بدتر از همه این که آب مصرفی برای تمام بخش‌های مصارف شهری از قبیل آشامیدنی، پخت و پز، لباسشویی، ظرف شویی، دستشویی، باغچه و فضای سبز منازل، ساختمان‌سازی، بسیاری از کارگاه‌های صنعتی و خدمات شهری و... تماماً تصفیه شده است. در صورتی که می‌توان با جداسازی آنها از هم دیگر، راندمان مصرف آن را چندین برابر نمود؛
(۴) الگوی فضای سبز در تمامی شهرهایی که از حوضه آبریز زاینده‌رود برداشت آب دارند، مناسب نیست. چون ما در منطقه کم آب و خشک هستیم فلذا کشت بعضی از گیاهان مانند چمن، گل‌های علوفه‌ای با نیاز آبی بالا به عنوان فضای سبز که عمده آب و بعضاً تا بالای ۸۰ درصد آن را تبخیر می‌نماید، به مصلحت نیست؛

(۵) صنعت نیز هم رشد روز افزون داشته و از آب‌های جاری و زیرزمینی و قنوات بیش از پیش استفاده می‌کند و هم اینکه متأسفانه در حالی که می‌شود با انجام هزینه‌های لازم و احداث تأسیسات تصفیه‌ای و گردش مجدد آب در سیستم کارخانجات، مصرف را کم نموده و راندمان را بالا برد، اینکار صورت نمی‌گیرد بلکه بالعکس آن مختصر پس مانده آبی هم که قبلاً توسط کارخانجات بزرگ پس از استفاده در سیستم‌های خنک‌کننده به رودخانه بر می‌گشت، صرف کشاورزی و یا احداث باغات و فضای سبز اطراف کارخانجات شده و مشکل ساز شده است؛

(۶) در بخش کشاورزی یک بار در سال ۱۳۴۳ به دلیل انجام اصلاحات اراضی و یک بار در اوایل انقلاب که

●●● الگوی فضای سبز در تمامی شهرهایی که از حوضه آبریز زاینده‌رود برداشت آب دارند، مناسب نیست. چون ما در منطقه کم آب و خشک هستیم فلذا کشت بعضی از گیاهان مانند چمن، گل‌های علوفه‌ای با نیاز آبی بالا به عنوان فضای سبز که عمده آب و بعضاً تا بالای ۸۰ درصد آن را تبخیر می‌نماید، به مصلحت نیست ●●●

بسیاری زمین‌های بزرگ و یکپارچه توسط مردم مناطق تصرف شد و هم چنین واگذاری‌های اراضی که به صورت قطعات کوچک صورت گرفته و می‌گیرد و قانون ارث هم که اجازه تقسیم و تفکیک اراضی را داده و بدتر از همه این که تبدیل اراضی کشاورزی در دل اراضی دیگر به غیر کشاورزی و باغ‌سازی و ویلاسازی و غیره... و از طرف دیگر هم نوسانات مختلف در تحول آب به کشاورزی و خشک و کم آب و بد آب شدن چاه‌ها و قنوات، امکان و انگیزه سرمایه‌گذاری در سیستم‌های آبیاری هدایت شده و یا استفاده از ماشین آلات بسیار پیشرفته لیزری برای تسطیح و عمل آوری اراضی به گونه‌ای که مصرف آب به حداقل برسد را کم نموده است. بنابر این همین‌ها باعث شده که میزان مصرف در کشاورزی نیز معقول نباشد که البته در این مقوله صحبت‌های بسیار وسیعی جای طرح دارد.

۱۱. آلودگی کیفی رودخانه

گود بودن رودخانه زاینده‌رود به خودی خود، چه از طریق جاری شدن فاضلاب و آب‌های آلوده به طرف رودخانه و با نشت فاضلاب‌ها و آب‌های آلوده به مواد شیمیایی که بخاطر انتقال به ارتفاعات و برگشت بخشی از آن صورت می‌گیرد و بدتر از همه احداث مجتمع‌های تفریحی و مسکونی که در نزدیکی رودخانه در طول مسیر وجود دارد و بعضاً لوله مستقیم انتقال فاضلاب به رودخانه را مشاهده می‌کنیم، رودخانه را آلوده کرده است. و علی‌رغم صراحت قانون در ممنوعیت این کارها و روشن بودن وظائف دستگاه‌های مسئول مع‌الاسف شاهد گسترش آن هستیم.



۱۲. تالاب گاوخونی مزایا و خشکی آن

تالاب گاوخونی که از سرمایه‌های ارزشمند و آثار ملی ایران می‌باشد و در زمانهایی که آب داشت، به خودی خود یک اکوسیستم کامل و زیستگاه بسیار مناسبی برای انواع وحوش و پرندگان بود و سالانه میزبان صدها هزار از انواع پرندگان زیبا و مهاجر بوده که آرزوی هر علاقه‌مند به محیط زیست در ایران و جهان بوده و هست که حداقل یک بار بتواند از این اثر جاودانه و زیبا دیدن کند، ضمن این که وجود این تالاب نقش بسیار تعدیل‌کننده‌ای در ممانعت از ایجاد گرد و غبار و تنظیم دمای مناطق شرق اصفهان دارد که متأسفانه از آنجا که تعادل توزیع آب به هم خورده، این اثر جاودانه هم رو به زوال رفته و هم اکنون تقریباً بیشتر حیات وحش و اکوسیستم منطقه از بین رفته و پرندگان مهاجر نیز دیگر به آن منطقه نمی‌آیند و تالابی که به جز محاسن فوق، امید شرق اصفهان بوده که یک منطقه توریستی و گردشگری با اشتغال‌زایی فراوان داشته باشد، از بین رفته است.

۱۳. بندهای رودخانه و تسطیح بستر

نکته حائز اهمیت این که هر رودخانه‌ای به خودی خود نقطه قعر مناطق اطراف خود می‌باشد و مضاف بر آن در بستر هر رودخانه‌ای نیز یک گودی وجود دارد، بدین صورت که هر چه از حاشیه دو طرف رودخانه به وسط آب نزدیک می‌شویم گودتر می‌شود و این امر باعث می‌شود که حتی آب را در بالادست ببندند، باز هم به واسطه وجود خط‌القعر در رودخانه و نشت و نفوذ آب اطراف به رودخانه، هیچ وقت آن رودخانه کامل نخشکد، فلذا همیشه زاینده‌رود حتی در مواقعی که آب سد بسته بود، ولی تا محل گاوخونی مختصر آبی در رودخانه جریان داشت. بنابر این بنده در تمام مطالعاتم، مطلبی را ندیده‌ام که گزارش خشکی زاینده‌رود را بدهد، ولی متأسفانه چند سالی است که به منظور زیبا سازی شهرهای اصفهان، فلاورجان و درچه در حاشیه رودخانه و بعضی مناطق بالادست، اقدام به تسطیح و طبعاً تعریض بستر رودخانه کرده‌اند و هم چنین صدور مجوز برای برداشت شن و ماسه از بستر رودخانه توسط سازمان آب و احداث بندهای متعدد توسط شهرداری‌های مذکور و غیره. این خط‌القعر را بر هم زده‌اند. به همین دلیل است که به محض این که حتی آب سد را کم می‌کنند (نه این که کاملاً ببندند) باز هم ما شاهد خشکی کامل رودخانه هستیم و متأسفانه پیگیری‌ها، جلسات و مکاتبات و اقدامات گوناگون نیز نتیجه بخش برای رفع این معضلات نبوده است. اگر آمارهای تضييع آب را بدانیم، بسیار تعجب می‌کنیم و این در صورتی است که «مطابق تبصره ۳ ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب» این کار ممنوع است و باید وزارت نیرو اجازه دهد و اگر مجوز نگرفته باشند خلاف کرده‌اند و چنان چه وزارت نیرو هم مجوز داده باشد بر اساس تبصره ۴ ماده ۲ همین قانون وظیفه دارد برای اینگونه اقدام‌ها که خسارت بار و مزاحم است نه این که مجوز ندهد بلکه اقدام به خلع ید، قلع و قمع و پیگیری قضایی نیز بنماید. و از همه مهم‌تر این که مطابق ماده ۳۶ قانون توزیع عادلانه آب، هیچ کس بدون اجازه وزارت نیرو حق احداث و تغییر مقطع و مجرای آب را ندارد و هر بالادستی مسئول خسارتی است که از عمل غیر متعارف و به پایین‌دستی وارد می‌آید. ماده ۴۸ قانون نیز نحوه صدور مجوزها را توسط وزارت نیرو مشخص کرده است.

۱۴. عملیات عمرانی حاشیه‌ای زاینده‌رود

حریم زاینده‌رود تا آنجا است که اگر اقدامی در آن نقطه بشود، به هر طریق، چه مستقیم و یا غیر مستقیم بر کمیت و کیفیت آب تأثیر بگذارد. و اگر احداث ابنیه

●●● متأسفانه چند سالی است

که به منظور زیبا سازی شهرهای

اصفهان، فلاورجان و درچه در

حاشیه رودخانه و بعضی مناطق

بالادست، اقدام به تسطیح و طبعاً

تعریض بستر رودخانه کرده‌اند

و هم چنین صدور مجوز برای

برداشت شن و ماسه از بستر

رودخانه توسط سازمان آب و

احداث بندهای متعدد توسط

شهرداری‌های مذکور و غیره. این

خط‌القعر را بر هم زده‌اند ●●●



و دخل و تصرف در بستر و حاشیه، برای زاینده‌رود مزاحمت ایجاد کند ممنوع می‌باشد. «مواد ۲، ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۴۶، ۴۸ و ۵۰ قانون توزیع عادلانه آب کاملاً بر محدودیت‌ها و برخورد با متخلفین و وظایف دستگاه‌های مرتبط توضیح داده است.»

۱۵. معرفی و آسیب‌شناسی پل‌ها و بناهای تاریخی مرتبط با زاینده‌رود

در ارتباط با پل‌ها و بناهای تاریخی زاینده‌رود، بنده به لحاظ فنی و سازه‌ای تخصص ندارم. ولی به لحاظ تاریخی و اجتماعی همین قدر می‌دانم که این آثار ارزشمند با بودن زاینده‌رود شکل گرفته است. اگر پاسخ این سوال را پیدا کنیم که چرا این پل‌ها را در ضلع شمالی و یا جنوبی اصفهان بنا نکرده‌اند، آن وقت به نقش زاینده‌رود در احداث این بناها بیشتر پی خواهیم برد.

بنابراین نه این که پل‌ها بلکه بسیاری از آسیب‌های تاریخی، بندهای زیبا که در گذشته دور به منظور تقسیم آب ایجاد شده است، حتی ابنیه تاریخی دیگر اصفهان نیز با بودن زاینده‌رود، معنادار و جذاب شده است و متأسفانه، به راحتی، توسط مدیرانی که تسلط کارشناسی و حقوقی به مسئولیتشان نداشته‌اند از یک طرف و تعدادی سود جو که بدون علم و آگاهی از عمق فاجعه، منفعت‌طلبی خود را بدون اهمیت به گذشته و آینده این خطه در نظر داشته‌اند، از طرف دیگر، این وضعیت را برای اصفهان پیش آورده‌اند. در حالی که جهان وقتی متوجه شده که دو طبقه اضافی روی ساختمان جهان‌نما گذاشتند و این کار جلوه سایر بناهای تاریخی را تحت‌الشعاع قرار داده، چه واکنش‌ها و سر و صداها و تهدیدهایی که نکردند تا این مشکل را حل نمودند. آیا به مخاطره افتادن بقای خود این آثار تاریخی کمتر از تحت‌الشعاع قرار گرفتن جلوه‌های بیرونی آنها است؟ اگر مردم جهان و دستگاه‌ها و نهادهای بین‌المللی مرتبط بفهمند با این آثار چه می‌شود، چه واکنشی خواهند داشت؟

۱۶. سازمان‌ها و نهادهای مرتبط، برنامه و نقش آنها و نقد عملکرد

به نظر می‌رسد اگر سازمان‌ها و نهادهای مرتبط، در زمان لازم به نقش خود که قانون بر عهده آنها گذاشته است درست عمل می‌کردند الان این مشکلات را نداشتیم و هم اکنون نیز باید شروع کنند و انجمن‌های مردم نهاد (NGO) باید وارد عمل شوند و اطلاع‌رسانی کنند.

۱۷. زاینده‌رود و محیط زیست

زاینده‌رود از شروع خلقت تا چند سال پیش، سلامتی و محیط زیست سالم برای مردم ارمغان می‌آورد ولی متأسفانه چندین سال است آرام و خاموش به واسطه آلودگی که دارد، سلامتی مردم را می‌گیرد و هم اکنون نیز نفس‌های آخر خود را می‌کشد.

۱۸. قیاس با مثال‌های جهانی

در بسیاری از نقاط دنیا رودخانه‌هایی را داریم که نه فقط از بین دو استان بلکه از بین دو قاره می‌گذرد ولی حقوق بالادستی و پایین‌دستی حفظ می‌شود و مهمترین مسئله مردم و دولت‌های آن قاره و کشورها، حفظ و حراست از آن رودخانه‌ها است. مثل رودخانه‌های ولگا و یا می‌سی‌سی‌پی و رودخانه نیل و بسیاری موارد دیگر... در حالی که آنها رودخانه‌ها را بین دو قاره مدیریت حوضه‌ای می‌کنند و مشکل ندارند ما در کشورمان رودخانه بین دو استان را نمی‌توانیم مدیریت کنیم و با دست خودمان این بلاها را بر سر خودمان می‌آوریم. مقصر کیست؟

۱۹. بررسی کلی و راه‌کارها

۱) همه مسئولین و کارشناسان در هر حوزه کاری، مسلح و مسلط به قوانین مرتبط با کار و مسئولیتشان باشند و عمل کنند. و برای این کار آموزش‌ها و آزمون‌ها قبل از انتخاب، معمول شود؛
۲) تحقیق و تفحص اقدام‌های تمامی دستگاه‌های مرتبط با زاینده‌رود مانند وزارتخانه‌های نیرو، جهاد

●●● آیا به مخاطره

افتادن بقای خود این

آثار تاریخی کمتر از

تحت الشعاع قرار گرفتن

جلوه‌های بیرونی آنها

است؟ اگر مردم جهان

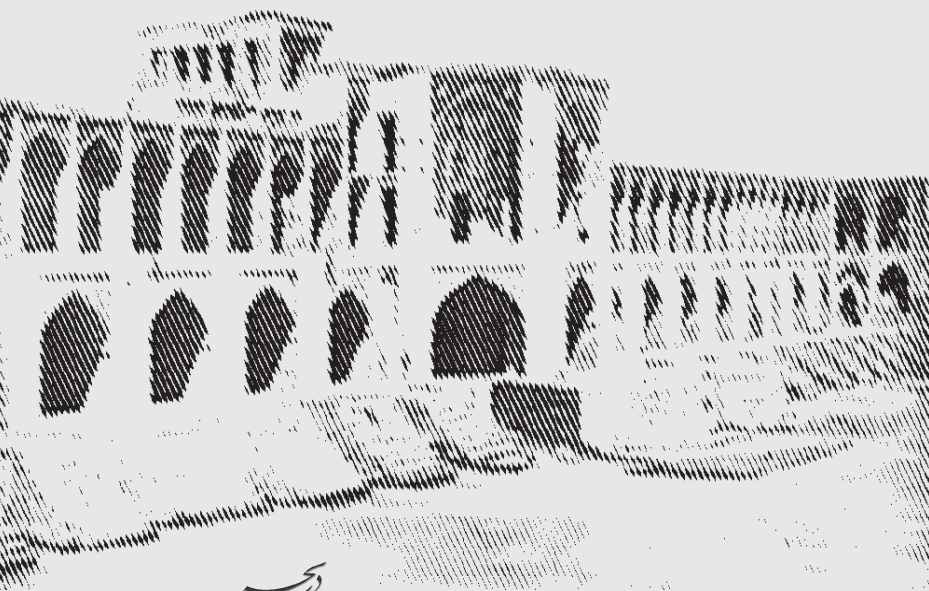
و دستگاه‌ها و نهادهای

بین‌المللی مرتبط بفهمند

با این آثار چه می‌شود،

چه واکنشی خواهند

داشت؟ ●●●



یچ

●●● اگر بخواهیم در استان اصفهان توسعه پایدار داشته باشیم، اگر بخواهیم صنعتی شکوفا و پر رونق داشته باشیم، اگر شهری عاری از آلاینده‌های زیست محیطی و مردمی سالم داشته باشیم، اگر اشتغال پایدار و درآمدزا بخواهیم، اگر مواد غذایی و محصولات سالم و مکفی بخواهیم، اگر خودکفایی و سربلندی استان و به تبع آن کشور مد نظر است، اگر حفظ آثار و ابنیه تاریخی در زاینده‌رود و دیگر نقاط استان آرزوی ماست، اگر میل به جذب توریست و ارتقاء این صنعت در نظر است، اگر فکر بقای کشور بعد از تمام منابع فسیلی و معدنی در اذهان ماست و بسیاری اگرهای دیگر، راهی به جز حفظ زاینده‌رود پر آب و کشاورزی آباد و پیشرفته وجود ندارد ●●●

کشاورزی و شرکت‌های آب منطقه‌ای اصفهان و چهارمحال و سازمان جهاد کشاورزی استان، سازمان محیط زیست، سازمان بهداشت (بابت آب شرب روستایی) میراث فرهنگی، شهرداری و برخورد با خاطیان؛

۳) توقف کامل تخصیص و فروش جدید آب از زاینده‌رود و چاه‌ها و همچنین لغو بسیاری از تخصیص‌های قبلی چه از رودخانه و چه از چاه‌ها؛

۴) ایجاد کمیته کارشناسی مشترک بین دو استان اصفهان و چهارمحال و وزارت نیرو و نمایندگان حق‌آبه‌دار و کنترل کامل برداشت‌ها و قراردادهای؛

۵) اصلاح بستر رودخانه و برگردان خط‌القعر رودخانه به حالت اول و حذف بندها و طراحی مناسب کارشناسی برای استفاده از زیبایی‌های زاینده‌رود توسط شهرداری‌ها به گونه‌ای که مانعی برای عبور آب ایجاد نشود و تخریب مستحذات مزاحم و خسارت‌زا بر اساس قانون؛

۶) اصلاح شبکه‌های آبرسانی در صنعت و شرب و کشاورزی؛

۷) جدا سازی شبکه‌های آبرسانی، شرب و آشپزخانه با سایر مصارف و استفاده پس‌آب شرب و آشپزخانه در سایر مصارف فردی و استفاده سایر مصارف فردی در فضای سبز و دیگر مصارف شهری از قبیل خدماتی، کارگاهی و صنعتی و غیره متناسب با الگوها مشابه موجود در جای جای دنیا

۸) اعمال مدیریت صحیح در سیستم توزیع آب رودخانه زاینده‌رود و غنی کردن آب چاه‌ها و قنوات؛

۹) برگرداندن خط مرزی اصفهان و چهارمحال و بختیاری به جای اول (خط‌الرأس کوه‌های شیدا)؛

۱۰) ورود صدا و سیما و کلیه مراکز اطلاع رسانی، به عرصه، و برگزاری همایش‌ها، مساعدت حوزه و دانشگاه و مساجد و منابر و کلاس‌های آموزش و پرورش و مدارس و سایر رسانه‌ها و اطلاع رسانی قانونی و فنی و آموزشی؛

۱۱) وضع قانون برای تشویق و امتیاز برای کسانی که اراضی خود را یکپارچه می‌کنند؛

۱۲) خرید مازاد حجم آب مرقوم در پروانه بهره‌برداری چاه‌ها و رودخانه‌ها از کسانی که یا چاهشان کم آب شده و یا به هر دلیل حاضرند به وزارت نیرو برگردانند؛

۱۳) حذف پمپاژ آب از رودخانه برای مصارف

کشاورزی و باغات، به ویژه در ارتفاعات که آب را از حوضه زاینده‌رود خارج می‌کنند؛

۱۴) کم کردن مصارف تمام بخش‌ها به نسبت مشابه و برابر، در شرب و صنعت و کشاورزی و رعایت حقوق حق‌آبه‌دار؛

۱۵) اصلاح الگوی فضای سبز در شهرها و حذف چمن و دیگر گیاهان با نیاز آب بالا در شهرهایی که از زاینده‌رود آب برداشت می‌کنند؛

۱۶) بازنگری قانون استقلال آب استانها و اعمال مدیریت واحد بر حوضه زاینده‌رود از ابتدا تا انتها؛

۱۷) تحقق کامل علمی و اقتصادی بر انتقال آب از طریق پمپاژ به ارتفاعات و بررسی عملکرد اقتصادی موارد موجود در بالادست و اینکه این کار برای بالادست مفید بوده یا خیر؛

۱۸) بررسی علمی توسط متخصصین و دانشمندان از تأثیر خشکسالی و عدم ورود آب به زاینده‌رود بر پل‌ها و ابنیه تاریخی موجود؛

۱۹) بررسی کارشناسی و علمی جامع از آثار خشکسالی بر اقتصاد استان اصفهان و مسائل احتمالی و زیست محیطی به ویژه در شرق اصفهان؛

در پایان اینجانب اسفندیار امینی کشاورز و دامدار در منطقه شرق اصفهان و در حاشیه زاینده‌رود که از طفولیت تاکنون با مسائل و مشکلات زاینده‌رود آشنایی داشته و دارم، بر این باورم که اگر بخواهیم در استان اصفهان توسعه پایدار داشته باشیم، اگر بخواهیم صنعتی شکوفا و پر رونق داشته باشیم، اگر شهری عاری از آلاینده‌های زیست محیطی و مردمی سالم داشته باشیم، اگر اشتغال پایدار و درآمدزا بخواهیم، اگر مواد غذایی و محصولات سالم و مکفی بخواهیم، اگر خودکفایی و سربلندی استان و به تبع آن کشور مد نظر است، اگر حفظ آثار و ابنیه تاریخی در زاینده‌رود و دیگر نقاط استان آرزوی ماست، اگر میل به جذب توریست و ارتقاء این صنعت در نظر است، اگر فکر بقای کشور بعد از تمام منابع فسیلی و معدنی در اذهان ماست و بسیاری اگرهای دیگر، راهی به جز حفظ زاینده‌رود پر آب و کشاورزی آباد و پیشرفته وجود ندارد. پس:

دست در دست هم دهیم به مهر
میهن خویش را کنیم آباد